

متن پرسش

با سلام و عرض ادب و احترام: در برهان صدیقین فرمودین عین هستی عین کمال است. چرا؟ چرا دیوار به خودی خود نمی‌تواند عین هستی باشد؟ فرمودین دیوار استقامت و دیوار بودن را دارد. اما رافت، شجاعت، حرکت و... را ندارد. پس عین هستی نیست. این پاسخ در فرضی است که ما قبول کنیم عین هستی همان عین کمال است. در صورتی که ما با بدیهیاتی جلو آمدیم که این را نمی‌گویید. فرمودین من هستم. من با همه نواقصم هستم. من در مقام سوال عرض می‌کنم فرض اینکه (حضرت آدمی بوده است که از ابتدا بوده است خودش خودش را به وجود آورده و بعد از مدتی هم با تکثیر نسل تبدیل به بشریت شده است) این فرض چه اشکالی دارد؟ چرا عین هستی باید عین کمال باشد؟ و اگر کمالی را نداشت پس عین هستی نیست؟ این دیوار همیشه بوده است همانگونه که برای خداوند متعال می‌گوییم همیشه بوده است.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در این مورد باید روی این نکته متمرکز شد که عدم، مساوی است با نقص و وجود، مساوی است با کمال. پس عین وجود، همان عین کمال است. حال اگر در شرح بحث «برهان صدیقین» و با توجه به مثال‌هایی که زده شد بتوانید این موضوع را تصدیق بفرمایید، برهان صدیقین را پذیرفته‌اید وگرنه باید منصرف شد. موفق باشید